

گفت‌وگوی صبا با عوامل فیلم سینمایی «حبس مجرد»

جدالی بی‌رحمانه برای گ



مریم عظیمی
گفت‌وگو

فیلم «حبس مجرد» به نویسندگی ابراهیم نصیری و کارگردانی محمدحسام حدادیان که روزهای اکرانش در گروه سینمایی هنر و تجربه را با استقبال خوب مخاطبان پشت سر می‌گذارد توانسته در هفته اول اکرانش صدرنشین فیلم‌های داستانی هنر و تجربه شود. به همین بهانه خبرنگار صبا با عوامل این فیلم گفت‌وگویی داشته که در ادامه می‌خوانید.

محمدحسام حدادیان:

حبس مجرد یک فیلم زنانه است

ایده فیلمنامه و مراحل تکمیل آن چگونه پیش رفته است؟

ایده این فیلم ریشه در تجربه زیسته خودم دارد. روزی در بازگشت از کار در آپارتمانی که تازه به آن نقل مکان کرده بودم شاهد چالش‌های یکی از همسایه‌ها بودم، زوجی که با هم اختلاف داشتند و همسایگانی که در آپارتمان جمع شده بودند تا مشکل آنها را حل و فصل کنند. چند روزی این مسئله ادامه داشت گاهی زن در راه روی مرد قفل می‌کرد و اجازه ورود او به خانه را نمی‌داد و گاهی مرد اجازه خروج زن را از خانه و چالش‌های بین این دو مدام به فضای خارج از واحد خودشان منتقل می‌شد. این ماجرا در ذهن من ماند تا اینکه با دوست خوبم ابراهیم نصیری که فیلمنامه را نوشته است در مورد آن صحبت و ایده‌ها را مطرح کردم. از آنجایی که قرار بود کارگردانی کار بر عهده خودم باشد می‌خواستم که در بخش فیلمنامه بیشتر دخیل باشم به همین علت تقسیم کار بین ما اینگونه شد که سکانس‌ها را با یکدیگر جلو می‌بردیم و بحث دیالوگ‌نویسی بیشتر بر عهده ابراهیم نصیری بود.

آیا سرمایه‌گذار را قبل از شروع نوشتن فیلمنامه جذب کرده بودید؟

دو سال پیش از آنکه ساخت «حبس مجرد» را استارت بزنیم بر سر فیلمنامه دیگری با سرمایه‌گذار کار آشنا شدم اما به دلایلی در آن پروژه موفق به همکاری نشدیم بعد از دو سال خود سرمایه‌گذار دوباره برای همکاری اعلام آمادگی کردند منتها مسئله بازگشت سرمایه در این بین همچنان چالش برانگیز بود که در نهایت با گپ و گفت‌های فراوان و آمد و شده‌های زیاد این چالش برطرف و همکاری مان ممکن شد. حقیقتش این است که سرمایه‌ای که ما برای ساخت این فیلم در اختیار داشتیم بسیار اندک بود و عوامل کار با اینکه در زمینه دستمزد همکاری زیادی با من کردند اما همگی به این معتقد بودند که با این مبلغ نمی‌توان یک فیلم سینمایی بلند کار کرد اما خوشبختانه خدا خواست و شد. خوشبختانه فیدبکی که تا این لحظه از مخاطبان گرفتم اینگونه بود که بازی بازیگران جوانمان را پسندیده‌اند و به اندازه‌ای که دیده‌اند باورپذیر بوده است.

بازیگرهایی که با شما همکاری کردند از چهره‌های مطرح سینمای کشور هستند این همکاری به چه شکل انجام شد؟

در همان روزهای اولی که فیلمنامه را پیش می‌بردم برای نقش محتشم، سیاوش چراغی پور عزیز و برای نقش وحید، مهدی کوشکی را در نظر داشتیم. با اینکه با آقای چراغی پور در مورد زمانبندی کار کمی چالش داشتیم اما خوشبختانه در نهایت فیلمنامه را خواندند، پسندیدند و افتخار دادند که در پروژه ما بازی کنند. با مهدی کوشکی هم سر فیلم «یقه سفیدها» آشنا شدم و دوستی مان ادامه پیدا کرد، زمانی که می‌خواستم فیلمنامه را برای او ارسال کنم اسم خودم را از داخل فیلمنامه برداشتم تا نظر اصلی او را بدون اینکه بدانند کارگردان کار من هستم بدانم. آقای کوشکی از فیلمنامه و نقش خوششان آمد و زمانی که ایشان متوجه شدند من کارگردان کار هستم در بحث دستمزد تخفیف زیادی برای ما قائل شدند و امکان این همکاری فراهم شد. از خانم پلدا عباسی و پیمان مقدمی کار تئاتر و فیلم کوتاه دیده بودم و خیلی دوست داشتم با آنها همکاری کنم در عین حال از بازیگران جوان فیلم هم نمونه کار دیده بودم و با اینکه همکاری با بازیگران جوان با ریسک همراه بود اما وحید نیکراد و زهرا نامور بازیگران درخشان، باهوش و آینده‌داری هستند که با تمام سختگیری‌های من و تمرینات شبانه روزی و هر آنچه که برای رسیدن به نقش از آنها می‌خواستم همکاری کردند.

چگونه اعتماد تریا قاسمی را برای نقش مادر جلب کردید؟

ما خانم تریا قاسمی را به سختی پیدا کردیم بخصوص که در آن دوره ایشان از موبایل‌شان استفاده نمی‌کردند. به هر حال فیلمنامه را فرستادیم و ایشان خواندند و به درخواست ما نسبت به حضور افتخاری‌شان در این پروژه موافقت کردند. البته در ابتدا هم چالش‌هایی داشتیم خب ایشان مرا نمی‌شناختند ولی بعد که رفتار مرا سر صحنه دیدند، اعتماد کردند. ایشان به شدت انسان باهوشی هستند و در صحنه بسیار تلاش می‌کردند که همراه باشند. من اصلاً فکر نمی‌کردم

به کار خودشان را ساخته بودند و این باعث می‌شد به این فکر کنیم که اگر ما هم بودجه بیشتری داشتیم مسلماً فیلم بهتری می‌ساختیم ولی خب در این زمینه محدودیت داشتیم ولی با آنچه که داشتیم سعی کردیم درست، اصولی و مخاطب پسند جلو برویم و امیدوارم که موفق بوده باشیم. فکر می‌کنم با این تعداد جلسه فیلمبرداری و مقدار بودجه، می‌توانیم یکی از رکوردداران در زمینه ساخت فیلم بلند باشیم. در این سال‌هایی که در سینما بودم ندیده و نشنیده‌ام که در ۱۰ جلسه و با بودجه‌ای که ما در اختیار داشته داشتیم یک فیلم بلند ساخته شده باشد.

تا این لحظه از منتقدین و مخاطب‌بسن چه بازخوردهایی داشته‌اید؟

در افتتاحیه اکران فیلم آقای محسن خیمه‌دوز از منتقدان سینما در سالن حضور داشتند و پس از اکران در گپ و گفتی که داشتیم گفتند که پلان‌ها و یکسری از صحنه‌ها را یاد فیلم‌های فرهادی می‌انداخت و کاملاً مشهود است که سینمای فرهادی روی تو تاثیر زیادی گذاشته است. من ابتدا خوشحال شدم و بعد کمی به فکر فرو رفتم و ناراحت شدم اما دیدم که وقتی خود آقای فرهادی با شهامت می‌گویند که سینمای مهرجویی، کیارستمی و کیمیایی روی من تاثیر گذاشته است و من از آن سینما بهره گرفته‌ام پس این مسئله چیز عجیبی نیست و من هم با افتخار می‌توانم بگویم که فیلم‌های آقای فرهادی روی من تاثیر زیادی گذاشته است و فیلمسازی من به نوعی تاثیر گرفته از سینمای فرهادی است. خود آقای فرهادی نیز تا یک نقطه‌ای به قول خودشان از آن سینما بهره گرفتند و از جایی به بعد مسیر خود را پیدا کردند و امضای شخصی او را می‌توان روی فیلم‌هایش دید. من هم با توجه به اینکه تلاش کردم امضای خودم روی کارم باشد و فکر می‌کنم در این زمینه هم موفق بوده‌ام و از بازخوردهایی که دریافت

که ایشان در این حد ریزبینانه به خیلی از مسائل نگاه کنند به شکلی که از لابلای دیالوگ‌ها حس بیرون می‌کشیدند و راکوردشان را طوری حفظ می‌کردند که به جرات می‌توانم بگویم بسیاری از بازیگرانی که در این سال‌ها به آنها کار کردم حتی به اندازه ۴۰ درصد ایشان هم در حفظ راکورد بازی‌شان دقیق نبودند. در کل باید بگویم که حضور خانم قاسمی برای ما تماماً برکت بود و اسم و تصویرشان برای ما خنکای یک سایه بسیار بزرگ بود. امیدوارم خداوند بزرگترهای سینما را برای همه ما جوانان سینما حفظ کند.

ظاهراً به دلیل بودجه کم مجبور شدید فشرده کار کنید و مدت فیلمبرداری هم کوتاه بوده است این موضوع برای شما چالشی ایجاد کرد؟

بله؛ فکر می‌کنم در ۱۰ نهایت ۱۱ جلسه این فیلم را بستیم و این خود چالشی برای من به عنوان یک فیلمساز جوان بود. چرا که باید خیلی سریع تصمیم می‌گرفتم که از چه چیزهایی بگذرم و چه چیزهایی را در اولویت قرار دهم. بخشی از این مسئله به بودجه بسیار کمی که داشتیم باز می‌گشت اما خوشبختانه خداوند یک ویژگی به من داده که می‌توانم سرعت عمل داشته باشم و از طرفی من کار اصلی‌ام را بیشتر در تمرینات انجام می‌دهم و در پیش تولید تقریباً کار در آمد، حتی صدا بردار و فیلم‌بردار کار در طول تمرین‌ها کاملاً متوجه می‌شوند که ما چه می‌خواهیم بدین ترتیب وقتی به مرحله فیلمبرداری رسیدیم کارمان زمان کمتری برد. ولی از این جهت که من محدودیت‌هایی داشتم نسبت به اینکه بخوام پلان‌های بیشتری بگیرم و یا اینکه وقت بیشتری بگذارم بخصوص که اولین فیلم بلند سینمایی‌ام را کار می‌کردم سخت و پرچالش بود و خیلی اذیت شدم. با توجه به اینکه یک سری فیلم‌ها هم‌زمان با ما در حال تولید بود و ما می‌شنیدیم که با بودجه‌های خیلی بالا در حال کار هستند. حتی لوکیشن مخصوص